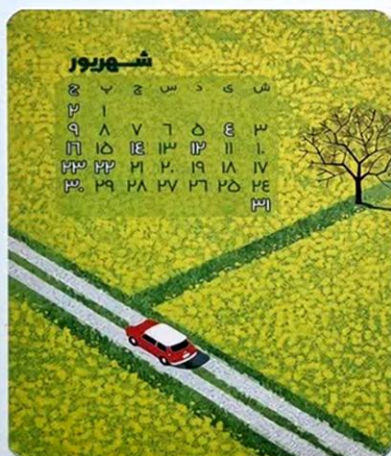


تقویم هفته





« ۱۴ شهریور ماه شهادت آیت ا. قذوسی و سرتیپ دستجردی »

چهاردهم شهریور ۱۳۶۰، نام دو مسئول برجسته جمهوری اسلامی ایران را در تاریخ معاصر کشور ماندگار کرد: آیت الله شیخ علی قذوسی، دادستان کل انقلاب، و سرتیپ هوشنگ وحید دستجردی، رئیس شهربانی جمهوری اسلامی ایران. هر دو در فاصله ای کوتاه، بر اثر حوادث تروریستی و جراحات ناشی از آن جان باختند.

آیت الله علی قذوسی، متولد نهاوند و از روحانیون فعال و شناخته شده پیش از انقلاب، پس از پیروزی انقلاب اسلامی مسئولیت دادستانی کل انقلاب را بر عهده گرفت. او در سال هایی که ساختارهای قضایی کشور در حال شکل گیری و تثبیت بود، در سامان دهی تشکیلات قضایی و رسیدگی به پرونده های مهم امنیتی نقش داشت. پیش از انقلاب نیز در عرصه آموزش و تربیت نیروهای مذهبی فعالیت کرده بود و در شکل گیری مدرسه حقانی سهم داشت. صبح چهاردهم شهریور، انفجاری در ساختمان دادستانی انقلاب رخ داد. آیت الله قذوسی در این حادثه به شدت مجروح شد و پس از انتقال به بیمارستان، بر اثر شدت جراحات به شهادت رسید. در سوی دیگر، سرتیپ وحید دستجردی قرار داشت؛ نظامی با سابقه ای که پس از پیروزی انقلاب اسلامی مسئولیت ریاست شهربانی کشور را پذیرفت. در دوره مسئولیت او، شهربانی با شرایط دشوار امنیتی و مجموعه ای از تهدیدهای مسلحانه

و تروریستی روبه‌رو بود. دستجردی در جریان انفجار دفتر نخست‌وزیری در هشتم شهریور ۱۳۶۰ مجروح شد و پس از چند روز، در چهاردهم شهریور بر اثر شدت جراحات جان باخت. هم‌زمانی شهادت این دو مسئول، تصویری روشن از شرایط امنیتی کشور در آن مقطع ارائه می‌دهد. قدوسی در رأس دستگاه قضایی انقلاب و دستجردی در جایگاه مسئول عالی انتظامی کشور، هر یک در حوزه‌ای متفاوت با مسئولیت‌هایی سنگین مواجه بودند. نام آنان در روزهایی ثبت شد که بسیاری از نهادهای تازه‌تأسیس کشور، هم‌زمان با انجام وظایف خود، با موجی از خشونت و ترور نیز دست‌وپنجه نرم می‌کردند. پانزدهم شهریور ۱۳۶۰، پیکر آیت‌الله قدوسی و سرتیپ وحید دستجردی در تهران تشییع شد. فاصله کوتاه میان دو حادثه و شهادت دو مسئول ارشد، چهاردهم شهریور را به یکی از روزهای مهم و تلخ تاریخ جمهوری اسلامی در سال‌های نخست پس از انقلاب تبدیل کرد؛ روزی که نام یک قاضی و یک نظامی، با دو مسیر متفاوت خدمت و یک سرنوشت مشترک، در حافظه تاریخی کشور باقی ماند.



« ۱۷ شهریور ماه روز قیام ۱۷ شهریور »

هفدهم شهریور ۱۳۵۷ یکی از نقاط عطف نهضت مردم ایران در ماه‌های منتهی به پیروزی انقلاب اسلامی است؛ روزی که اعتراض‌های مردمی در تهران با برخوردی خونین روبه‌رو شد

و میدان ژاله، در مرکز این رویداد، به یکی از شناخته‌شده‌ترین نمادهای آن دوران تبدیل شد.

در ماه‌های پایانی حکومت پهلوی، اعتراض‌های عمومی در شهرهای مختلف کشور گسترش یافته بود. راهپیمایی‌ها، اعتصاب‌ها و تجمع‌های مردمی، فضای سیاسی و اجتماعی ایران را به سرعت تغییر می‌داد. در تهران نیز پس از برگزاری تظاهرات گسترده در روز عید فطر، زمینه برای ادامه اعتراض‌ها فراهم شد.

در بامداد ۱۷ شهریور، حکومت نظامی در تهران و چند شهر دیگر اعلام شد. با وجود این محدودیت، گروه‌هایی از مردم در نقاط مختلف تهران گرد هم آمدند. یکی از مهم‌ترین تجمع‌ها در میدان ژاله شکل گرفت؛ جایی که جمعیت معترض با حضور نیروهای نظامی مواجه شد.

درگیری و تیراندازی، شمار زیادی کشته و مجروح بر جای گذاشت.

اهمیت ۱۷ شهریور تنها به شمار قربانیان آن محدود نمی‌شود. این حادثه فضای سیاسی کشور را دگرگون کرد و شکاف میان حکومت و بخش بزرگی از جامعه را آشکارتر ساخت. پس از این روز، اعتصاب‌ها و اعتراض‌های عمومی با شدت بیشتری ادامه یافت و روند تحولات سیاسی شتاب گرفت.

میدان ژاله بعدها به «میدان شهدا» تغییر نام یافت؛ نامی که پیوند این مکان را با وقایع آن روز در حافظه عمومی تثبیت کرد.

۱۷ شهریور نیز در تاریخ انقلاب اسلامی با عنوان «جمعه سیاه» شناخته شد و به یکی از مهم‌ترین رخداد‌های سال ۱۳۵۷ تبدیل گردید.

مرور این واقعه، تنها بازخوانی یک حادثه تاریخی نیست؛ بلکه توجه به مجموعه‌ای از تحولات اجتماعی و سیاسی است که در فاصله‌ای کوتاه، مسیر تاریخ معاصر ایران را تغییر داد.

۱۷ شهریور در میانه همین تحولات قرار دارد؛ روزی که آثار آن از یک میدان در تهران فراتر رفت و در روند رویدادهای ماه‌های بعد بازتاب گسترده‌ای پیدا کرد.



« ۱۹ شهریور ماه وفات آیت ا... طالقانی اولین امام جمعه تهران »

۱۹ شهریور، سالروز وفات آیت الله سید محمود طالقانی، نخستین امام جمعه تهران، یادآور یکی از روحانیون اثرگذار تاریخ معاصر ایران است؛ شخصیتی که بخش مهمی از زندگی خود را در مسیر مبارزه با استبداد، دفاع از آزادی و ترویج اندیشه‌های دینی سپری کرد.

سید محمود طالقانی در سال ۱۲۸۹ در طالقان متولد شد و پس از فراگیری علوم دینی، فعالیت‌های اجتماعی و سیاسی خود را گسترش داد. در سال‌های پیش از انقلاب، بارها به دلیل فعالیت‌های سیاسی بازداشت و زندانی شد. او در این سال‌ها از چهره‌های شناخته‌شده جریان مبارزات اسلامی بود و ارتباط نزدیکی با نسل جوان و فعالان سیاسی داشت.

پس از پیروزی انقلاب اسلامی، آیت الله طالقانی به عضویت شورای انقلاب درآمد و در کنار مسئولیت‌های سیاسی، ارتباط خود را با مردم حفظ کرد. در مرداد ۱۳۵۸، به عنوان نخستین امام جمعه تهران نماز جمعه را در دانشگاه تهران اقامه کرد. خطبه‌های او بیش از آنکه صرفاً بیان مواضع سیاسی باشد، بازتابی از دغدغه‌های اجتماعی، وحدت جامعه و ضرورت توجه به حقوق مردم بود.

طالقانی در میان گروه‌های مختلف اجتماعی نفوذ و محبوبیت قابل توجهی داشت. صراحت در بیان، ساده‌زیستی و نگاه اجتماعی او سبب شده بود سخنانش مخاطبانی فراتر از جامعه روحانیت داشته باشد. او در مقاطع حساس پس از انقلاب، بر پرهیز از اختلاف و حفظ انسجام جامعه تأکید می‌کرد و نسبت به پیامدهای شکاف‌های سیاسی هشدار می‌داد.

آیت‌الله طالقانی پس از سال‌ها فعالیت دینی و سیاسی، در سحرگاه ۱۹ شهریور ۱۳۵۸ در تهران درگذشت. خبر وفات او با واکنش گسترده مردم روبه‌رو شد و مراسم تشییع پیکرش به یکی از بزرگ‌ترین اجتماعات آن سال‌ها تبدیل شد. نام طالقانی در تاریخ انقلاب اسلامی، با مسجد، منبر، زندان، مبارزه و سرانجام نماز جمعه تهران گره خورده است؛ روحانی‌ای که تلاش کرد میان اندیشه دینی و مسائل روز جامعه پیوند برقرار کند و در یکی از حساس‌ترین دوره‌های تاریخ معاصر ایران، در کنار مردم باقی بماند.



« ۱۹ شهریور ماه روز جهانی پیشگیری از خودکشی (۱۰ سپتامبر) »

هر سال ۱۰ سپتامبر به مناسبت روز جهانی پیشگیری از خودکشی، مداخلات موثر به منظور جلوگیری از این مشکل جدی بهداشت عمومی مرور می‌شود. به گزارش سازمان بهداشت جهانی سالانه ۷۲۶ هزار نفر بر اثر خودکشی جان خود را از دست می‌دهند و

تعداد افراد بیشتری نیز دست به خودکشی می‌زنند. هر اقدام یک تراژدی است که خانواده‌ها، جوامع و کل کشورها را تحت تأثیرات طولانی مدت قرار می‌دهد.

چه کسانی در معرض خطر بیشتری هستند؟

ارتباط بین اقدام به خودکشی و اختلالات روانی (به ویژه افسردگی و اختلالات مصرف الکل) در کشورهای با درآمد بالا ثابت شده است. با این حال، بسیاری از خودکشی‌ها در لحظات بحرانی اتفاق می‌افتد؛ لحظاتی که توانایی مقابله با استرس‌های زندگی از قبیل مشکلات مالی، اختلافات رابطه‌ای، یا درد و بیماری مزمن کاهش پیدا می‌کند.

علاوه بر این، تجربه درگیری، خشونت، سوءاستفاده یا از دست دادن و احساس انزوا به شدت با رفتار خودکشی مرتبط است. نرخ خودکشی نیز در میان گروه‌های آسیب‌پذیری که تبعیض را تجربه می‌کنند، مانند پناهندگان و مهاجران بالاست. در میان افراد بومی هم اقلاری هم‌چون زندانیان و تراجنسیتی‌ها و ... در معرض خطر بیشتری هستند.

تلاش‌ها در مسیر پیشگیری از خودکشی نیازمند هماهنگی و همکاری بین بخش‌های مختلف جامعه، از جمله بخش بهداشت و سایر بخش‌ها نظیر آموزش، رفاه، کشاورزی، صنعت، قانون، دفاع، سیاست و رسانه است. با توجه به ماهیت چندوجهی خودکشی، این تلاش‌ها باید جامع و یکپارچه باشد.

انگ خودکشی به ویژه در صورت وجود اختلالات روانی به این معناست که بحث علنی در خصوص این موضوع در بسیاری از جوامع تابو شده است. پیشگیری از خودکشی به دلیل عدم آگاهی از خودکشی به عنوان یک مشکل عمده بهداشت عمومی به اندازه کافی مورد توجه قرار نگرفته است. تاکنون تنها چند کشور «پیشگیری از خودکشی» را در اولویت‌های بهداشتی خود قرار داده‌اند و تنها ۳۸ کشور گزارش کرده‌اند که یک استراتژی ملی پیشگیری از خودکشی دارند. همچنین بسیاری از افرادی که به فکر خودکشی هستند یا اقدام به خودکشی کرده‌اند، به دنبال کمک نیستند و بنابراین کمک مورد نیاز خود را دریافت نمی‌کنند.

افزایش آگاهی جامعه و شکستن تابو برای کشورها به پیشگیری از خودکشی کمک شایانی خواهد کرد.

برای راهبردهای مؤثر پیشگیری از خودکشی، نظارت بهتر بر خودکشی و خودآزاری لازم است. تفاوت در الگوهای خودکشی و تغییر در میزان، ویژگی‌ها و روش‌های خودکشی، نیاز

هر کشور به بهبود جامعیت، کیفیت و به موقع بودن داده‌های مربوط به خودکشی را برجسته می‌کند.

در سطح بهداشت عمومی، خودکشی/خودآزاری یکی از شروط اولویت‌دار برنامه عملیاتی سلامت روان سازمان جهانی بهداشت است که راهنمایی‌های فنی مبتنی بر شواهد را برای افزایش کیفیت ارائه خدمات و مراقبت در کشورها در زمینه‌های روانی، عصبی و اختلالات مصرف مواد شامل می‌شود تا از شناسایی، ارزیابی، مدیریت و پیگیری زود هنگام پشتیبانی کند.

ختم کلام اینکه با اطرافیان‌تان صحبت کنید، فعالانه گوش دهید تا به عزیزانتان برای پیشگیری از رفتارها و تلاش‌های مرتبط با خودکشی کمک کنید، باشد که در آینده‌ای نزدیک به هدف کلان سازمان بهداشت جهانی یعنی کاهش میزان فوت ناشی از خودکشی و اقدام به خودکشی دست یابیم.



« ۲۰ شهریور ماه شهادت دومین شهید محراب آیت الله مدنی »

منافقین در یکی از جنایات خود در سال ۱۳۶۰ آیت‌الله مدنی، امام جمعه و نماینده امام خمینی (ره) در استان آذربایجان شرقی را ترور و به شهادت رساندند.

گروهک تروریستی منافقین که از خرداد ۱۳۶۰ و پس از عزل بنی‌صدر به صورت رسمی عملیات مسلحانه و ترور را برای مقابله با انقلاب مردم ایران برگزیده بودند پس از ارتکاب جنایاتی مانند بمب‌گذاری در حزب جمهوری اسلامی در هفتم تیر ۱۳۶۰ و انفجار در دفتر نخست وزیری در هشتم شهریور همان سال در ۲۰ شهریور نیز آیت الله سید اسدالله مدنی امام جمعه و نماینده امام خمینی (ره) در استان آذربایجان شرقی را ترور و به شهادت رساندند.

شهید آیت الله سید اسدالله مدنی که با نام دومین شهید محراب شناخته می‌شود در سال ۱۲۹۳ هجری شمسی در آذرشهر دیده به جهان گشود و در جوانی به قصد کسب علم و کمال به شهر مقدس قم رفت.

پس از مدتی به نجف اشرف هجرت کرد و در سال ۱۳۴۲ که حرکت عظیم مردم مسلمان ایران به رهبری حضرت امام خمینی (ره) در جهت سرنگونی رژیم طاغوت آغاز شد نخستین کسی بود که در این شهر با تعطیل کردن کلاس‌های خود و تشکیل مجالس سخنرانی، در جهت افشای چهره پلید رژیم پهلوی گام برداشت.

آیت الله مدنی در ایران نیز حرکت تبلیغی خود را از همدان آغاز کرد و در اوایل دهه ۵۰ به خرم‌آباد رفت و پس آن توسط رژیم پهلوی به شهرهای نورآباد ممسنی، گنبدکاووس، بندرکنگان و مهاباد تبعید شد و سرانجام در آستانه انقلاب اسلامی به همدان بازگشت.

پس از پیروزی انقلاب دشمنان ملت ایران با شعله ور کردن آتش تفرقه و اختلاف و آشفته کردن اوضاع عمومی شهر تبریز امید داشتند که به اهداف شوم خود برسند.

در این هنگام مردم تبریز تصمیم گرفتند با آوردن آیت الله مدنی به این شهر مانع از موفقیت ضدانقلاب شوند، آنان این پیشنهاد را به امام خمینی (ره) تقدیم کردند و امام طی حکمی آیت الله مدنی را روانه تبریز کردند.

شهید مدنی در سر و سامان دادن به اوضاع سیاسی و اجتماعی تبریز تلاش مخلصانه‌ای کرد و آنگاه برای ادامه خدمت به شهر همدان باز گشت ولی هنوز چند روزی از مراجعت وی نگذشته بود که شهادت اولین شهید محراب، آیت الله سید محمد علی قاضی طباطبایی اوضاع شهر تبریز را دگرگون کرد.

در این هنگام بار دیگر امام خمینی (ره) طی حکمی، آیت الله مدنی را به نمایندگی خود و امامت جمعه شهر تبریز منصوب کردند.

آیت الله مدنی در تبریز بارها از جانب گروه‌های ضدانقلاب مورد تهدید قرار گرفت و سرانجام روز جمعه ۲۰ شهریور سال ۱۳۶۰ و در ۶۸ سالگی، در حالی که پس از اقامه نماز جمعه در میدان نماز شهر تبریز مشغول نماز مستحبی بود، بر اثر انفجار نارنجک دستی مجید نیکو، یکی از عوامل سازمان منافقین به شهادت رسید.

روزنامه جمهوری اسلامی در ۲۱ شهریور ۱۳۶۰، ترور آیت الله مدنی را این گونه گزارش کرد: «مقارن ساعت ۱:۴۰ بعدازظهر، هنگامی که آیت الله مدنی بعد از اتمام نماز جمعه ایستاده بود و حجت الاسلام میرزا نجف آقازاده - یکی از روحانیون تبریز - مشغول سخنرانی بود، شخص ناشناس به منظور پرسش، به طرف آیت الله مدنی رفته، در حالی که تظاهر به آغوش گرفتن ایشان می‌نماید، وی را ترور می‌کند.

بنا به گفته شاهدان عینی در این لحظه، دو انفجار متوالی هم روی می‌دهد که متعاقب آن شهید مدنی روی زمین می‌افتد و چندین نفر هم مجروح می‌شوند. ضارب نیز متلاشی می‌شود. در این حادثه، حدود بیست الی سی نفر مجروح شدند که به بیمارستان‌های تبریز منتقل شدند».

به این مناسبت در استان آذربایجان شرقی اعلان عزای عمومی شد و در روز ۲۱ شهریور ۱۳۶۰ مردم غیور این استان در یکی از بی‌نظیرترین مراسم سوگواری خویش پیکر شهید مدنی را تشییع کردند و روز بعد مراسم تشییع این شهید بزرگوار با حضور گسترده مردم و علمای قم برگزار و آیت‌الله مدنی در حرم حضرت معصومه (س) به خاک سپرده شد.

امام خمینی (ره) پس از این ترور در پیامی به مناسبت شهادت آیت‌الله مدنی خطاب به منافقین گفتند: اگر با به شهادت رسیدن مولای متقیان، اسلام محو و مسلمانان نابود شدند، شهادت امثال فرزند عزیزش مدنی هم آرزوی منافقان را برآورده خواهد کرد.

اگر خوارج سیاه بخت از شهادت، ولی الله الاعظم طرفی بستند و به حکومت رسیدند، این گروهک خائن نیز به آمال خبیث خود که سقوط حکومت اسلامی و برقراری حکومت آمریکایی است می‌رسند.